اهمیت فزاینده خدمات در اقتصاد آینده

نگاهی به دوهفته‏نامه حرفه‏ای پیشرو می‏اندازیم،که جوّ و تفکر حاکم بر دیدگاه اقتصادی را منعکس می‏کنند: Business Week که عملکرد خوب اقتصاد امریکا در طول‏ سال‏های گذشته را بررسی می‏کند،به‏طور فزاینده‏ای به‏ مفهوم«اقتصاد جدید»به منزلهء مفهومی شهودی اما کارآمد برای تبیین برخی نتایج مثبت نامنتظره مانند رشد پیوستهء بدون تورم اشاره می‏کند؛ The Economist غالبا به مفهوم‏ «اقتصاد مدرن»اشاره می‏کند که تونی بلر پیشنهاد کرده است‏ (گرچه این مجله ممکن است میانهء خوبی با نخست‏وزیر حزب کارگر نداشته باشد).بر اثر تکرار زیاد،مفهوم«اقتصاد مدرن»به معنی یک اشتیاق مبهم در نمایان ساختنی جادهء تازه پدید آمده در توسعهء اقتصادی و اجتماعی جهان است. این مجله در شمارهء 23 اوت 1997 خود با عنوان محرک‏ «قصور معما برانگیز علم اقتصاد»در صحنهء نخست در این راه‏ بسیار پیش رفت.آیا بهتر نیست که واضح‏تر بحث کنیم و «اقتصاد مدرن جدید»را«اقتصاد خدماتی»نامگذاری نماییم؟

به نظر می‏رسد،سنگ لغزشی این ایده باشد که هنوز بیشتر اقتصاددانان و به‏طور کلی‏تر بینش اقتصادی،به‏ اقتصاد خدماتی به عنوان عبارتی برای یک بخش در صحنهء فعالیت اقتصادی می‏نگرند.این دیدگاه محدود را سازمان‏های اقتصادی خدماتی بسیار نیز در اطراف و اکناف جهان اتخاذ کرده‏اند.اما کاملا محتمل به نظر می‏رسد که در دههء آینده،جهت وزش باد تغییر کند و مفهوم اقتصاد خدماتی چنان موقعیتی پیدا نمایدکه در آن خدمات صرفا یک بخش اقتصاید در نظر گرفته شود.این امر هم‏ اکنون در بیشتر بخش‏های تولید کارخانه‏ای کاملا قابل‏ مشاهده است.اگر به شیوهء تبلیغات شرکت‏هایی چون‏ اریکسون،آی‏بی‏ام و بسیاری از شرکت‏های دیگر توجه کنید، خواهید دید که آن‏ها فعالیت‏های عمده‏شان را مبتنی بر خدمات می‏دانند.

دیر یا زود پیوندی بین واقعیت و درک ارزشی اقتصاد خدماتی به وجود خواهد آمد:ما مطمئن هستیم که اکنون‏ آسان‏تر و سودمندتر استکمه سیاست‏های اساسی اقتصادی‏ از قبیل سیاست مرتبط با اشتغال و موضوعات رفاه را مجددا تعریف کنیم.نکتهء مورد نظر ما این است که تصدیق‏ اقتصاد خدماتی نه به عنوانـ موضوعی راجع به یک بخش‏ بلکه راجع به کل اقتصاد،مرتبط به تجدید تفکری اساسی و اثباتی از علم اقتصاد است.اقتصاددانان محافظه‏کار هنوز معتقدند که یک«محصول ملموس صنعتی»ملاک اساسی‏ است.به همین ترتیب،200 سال قبل،متفکران اجتماعی‏ محافظه‏کار آن زمان،با ملاحظهء نظریه‏های اقتصادی جدید -مانند نظریهء فراگرد صنعتی شدن آرام اسمیت-پافشاری‏ می‏کردند که تولید کشاورزی(غذای مورد نیاز همه)در نهایت ملاک حقیقی و اساسی مورد نظر به منظور تقویت‏ ثروت ملل است.

لازم است که«اقتصاد خدماتی مدرن جدید»در سطح‏ عقلانی و فکری در آزمون برخی مفاهیم جدید برای پاسخ‏ دادن به پرسش اساسی علم اقتصاد یعنی«چگونگی افزایش‏ ثروت ملل»مقداری خطر کند.در اینجا پاره‏ای ملاک‏ها را برای ایجاد تمایز بین انقلاب صنعتی سنتی و آنچه حالا اقتصاد خدماتی حقیقی است به صورت خلاصه یادآور می‏شویم.

1.دلالت‏های ضمنی انقلاب صنعتی

-در انقلاب صنعتی،اهمیت صنایع کارخانه‏ای افزایش‏ می‏یابد،که برای یک استراتژی اقتصادی دنبال‏کننده توسعهء ثروت ملل تبدیل به یک اولویت می‏شود.ارزش‏های‏ اقتصادی اساسی به موضوعات مادی اشاره دارد،که مبتنی‏ بر ارزش مبادله(قیمت بازاری)است. -در انقلاب صنعتی،کار در مقابل دستمزد تبدیل به‏ قاعده‏ای برای تمامی فعالیت‏های مرتبط با تولید کالاها یا محصولات می‏شود. -در انقلاب صنعتی،کارایی تولید با کمیت واحدهای‏ تولید شده در هر دورهء زمانی اندازه‏گیری می‏شود.کیفیت با سیستم تولید و استانداردسازی تولید(قابلیت تکثیر اجزاء) در ارتباط است.نسبت هزینه-فایده:مقایسهء بین‏ هزینه‏های(انتظاری)تولید در مقابل قیمت(تحقق یافته) فروشی.ملاک اساسی،مفهوم تعادل است(که عمدتا معین‏ و غیرتصادفی است.)

-افزایش استقلال کارکردن از شرایط طبیعی،تمایل‏به‏ تمرکز اجتماعی و بشری. -در انقلاب صنعتی،کار در مقابل دستمزد الویت‏ اجتماعی و اقتصادی پیدا کرده و سایر انواع فعالیت‏ها/کارها به عنوان غیرمولد تلقی می‏شوند؛خدمات،حتی هنگامی‏ که در مقابل دستمزد باشد،فعالیتی فرعیت رد نظر گرفته می‏شد.

2.جنبه‏های کلیدی اقتصادی خدماتی

-در اقتصاد خدماتی،خدمات بخش عمدهء هزینه‏های‏ اقتصادی تولید را تشکیل می‏دهد.ارزش اقتصادی با عملکرد یک سیستم محصول یا خدمات در یک دورهء زمانی سنجیده می‏شود.هزینه‏های تولید از اقدام‏های اولیه‏ (هزینه‏های تحقیق و توسعه)گرفته تا مرحله مصرف و از بین رفتن محصولات را در بر می‏گیرد.

-در اقتصاد خدماتی،خدمات بخش عمدهء هزینه‏های‏ اقتصادی تولید را تشکیل می‏دهد.ارزش اقتصادی با عملکرد یک سیستم محصول یا خدمات در یک دورهء زمانی سنجیده می‏شود.هزینه‏های تولید از اقدام‏های اولیه‏ (هزینه‏های تحقیق و توسعه)گرفته تا مرحله مصرف و از بین رفتن محصولات را در بر می‏گیرد.

-در اقتصاد خدماتی،تغییر عمده‏ای از تولید کارخانه‏ای‏ به سوی فعالیت‏های خدماتی صورت می‏پذیرد که تا حدود 80 درصد هزینه‏های تولید را در بر می‏گیرد.اشکال فزاینده‏ کار بدون دستمزد،در مقابل دیگر خدمات و مزایا ارائه‏ می‏شود.مقدار کار برای فعالیت‏های خود تولیدی تمایل به‏ افزایش دارد،به ویژه این که با به کارگیری سیستم‏های‏ پیچیده‏تر،این‏گونه کار مکملی برای فعالیت‏های در مقابل‏ دستمزد در فراگرد ایجاد ارزشی می‏شود.

-در اقتصاد خدماتی،بهره‏وری مترادف کیفیت و عملکرد در زمان است،نسبت هزینه-فایده،تمامی هزینه‏های‏ تحقیق و توسعه،تولید کارخانه‏ای،توزیع،به کارگیری و مصرف را مورد توجه قرار می‏دهد،در حالی که منافع به‏ وسیله عملکرد در طول دورهء به کارگیری اندازه‏گیری می‏شود.

-در اقتصاد خدماتی،مدیریت عدم اطمینان و ریسک، به عوامل اقتصادی کلیدی تبدیل می‏شوند زیرا ریسک و عدم اطمینان در ارتباط با آسیب‏پذیری‏های سیستم‏های‏ ایجاد ارزشی در یک دوره(محتمل،آینده)زمانی هستند. عدم اطمینان صرفا نشانه‏ای از اطلاعات ناکافی نیست،بلکه‏ پیامد یک سیستم اقتصادی است که بر مبنای احتمالات در یک دورهء زمانی عمل می‏کند.هنگامی که آینده به حساب‏ آورده شود(برای مثال،در صدور یک بیمه‏نامه)هیچ تعادل‏ کامل از قبل تعیین شده‏ای وجود ندارد.

-در اقتصاد خدماتی،حجم کار در مقابل دستمزد در فعالیت‏های کارخانه‏ای به علت تکنولوژی‏های جدید در حال کاهش است.اهمیت فزاینده و نقش مکمل بودن کار بدون دستمزد و خودتولیدی،به ویژه در طول به کارگیری‏ سیستم،به عنوانت یک عنصر بهینه‏یابی عملکرد است.روند به سوی منطقه‏گرایی و تمرکززدایی است.

-در اقتصاد خدماتی،ثروت حلول یک مبنای حداقل از کار در مقابل دستمزد(در مقابل پول)سازماندهی و ارزشیابی می‏شود-ما پیشنهاد می‏کنیم که اصطلاحات به‏ صورت زیر به کار رود:«برای مبادله»اشاره به سیستم‏هایی‏ دارد که در آن شکلی از مبادله چه برای پول(در مقابل پول) و یا نه برای پول(نه در مقابل پول)اتفاق افتاده باشد،اما به‏ طور ضمنی همواره یک سیستم ارجاع و ارزیابی به کار می‏برد؛«نه برای مبادله»اشاره به سیستم‏هایی دارد که در آن‏ مبادله‏ای اتفاق نمی‏افتد:سیستم‏های خودتولیدی.بنابراین‏ کاملا ضروری است که تفاوتی بین سیستم‏های نه برای پول‏ و نه برای مبادله صورت گیرد.فعالیت‏های ارادی بدون‏ دستمزد یا فعالیت‏های خیرخواهانه و خودتولیدی‏ (فعالیت‏های نه در مقابل پول و نه برای مبادله)،ارزش‏ عملکرد سیستم را افزایش می‏دهند،گرچه خارج از بازار مبادله عمل می‏کنند.

منبع: Progres newsleur,29 November 1997